

## ز چیست؟

ناتوانی‌های ما را هیچ می‌دانی ز چیست؟  
کشور آباد ساسانی به ویرانی ز چیست؟  
دیو زشت دشمن ما را سلیمانی ز چیست؟  
این‌همه رفتار ناهنجار حیوانی ز چیست؟  
حال در نزد ملل طفل دبستانی ز چیست؟  
هم‌چو یوسف پاک‌دامن است، زندانی ز چیست؟

به داد من نرسد کس، هر آن‌چه داد ز نم  
چه‌گونه تهمت بر بختِ خانه‌زاد ز نم  
به کوه سر نهم و ناله از نهاد ز نم

\*\*\*\*\*

ایام جورتان چو شب تار ما بلند  
یک‌جا کند عمارت ظلم شما بلند  
در شهر ناله‌ها ز فقیر و گدا بلند  
آن‌جا که هست ناله‌ی صد بینوا بلند  
زان ناله‌ها که هست به صبح و مسا بلند  
بخت تو را چو کرده به قسمت خدا بلند  
این نغمه‌ها که هست به‌ذکر و دعا بلند  
نی‌گریه‌یی که گشته ز روی ریا بلند  
بازای تا کنیم همی این نوا بلند  
می‌شد گر از شکستن دل‌ها صدا بلند»

\*\*\*\*\*

فیض حضور یار میسر نمی‌شود  
یک لحظه یار ما شد و دیگر نمی‌شود

ما پریشان روزگاران را پریشانی ز چیست؟  
ملت بیدار ما تا کی اسیر قید جهل؟  
مشعل دانش چرا در کشور ما شد خموش  
راه و رسم پاک انسانی چو از کف هشته‌ایم  
کشور ما ملک صنعت بود و علم و معرفت  
ملت هشیار ما در اصل تقصیری نداشت

به خیره چند دم از قلب نامراد ز نم  
اسیر فکرت سست خود و خیال خودم  
چو اهل درد در این مردمان نمی‌بینم

ای کاخ ظلم و قصر فساد شما بلند  
ترسم که سیل اشک یتیمان بی‌پدر  
تو بر بساط عزت و نعمت نشسته‌یی  
دست تو سوی بوقلمون چون شود دراز  
تو گرم عیش و سوری و آگاه نیستی  
بر تنگدست و مفلس بی‌چیز رحم کن  
بیدار شو که سود ندارد به رستخیز  
دینداری و کمال به تقوا و راستی است  
می‌گفت دوش صائب تبریز کای امین  
«سنگین نمی‌شد این همه خواب ستمگران»

مردم به هجر و وصل مقدر نمی‌شود  
با یاد یار شب همه شب همدمیم و او